

جامعه‌ی آرمانی فردوسی

دکتر هادی خدیور

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد همدان

□ درآمد

در نگاه نخست به نظر نمی‌رسد که فردوسی در سرودن شاهنامه غیر از اهداف بزرگ و کوچکی که خود نیز به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کند، درصدد آفرینش جهانی آرمانی، مدینه‌ی فاضله‌ی باشد که از دیرباز پیامبران، دانشمندان و مصلحان به دنبال آن بوده‌اند. شاید کثرت ابیات، نگاه‌های سطحی و بعضاً غرض‌آلود، برداشت‌های ناسنجیده و مقطعی از زمان فردوسی تاکنون باعث شده که این بعد عظیم کار حکیم طوس که به نظر نگارنده همه‌ی هدف‌های دیگر فردوسی حول این محور می‌چرخد، کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد.

در این نوشتار کوشش ما بر این است که بگوییم حکیم فرزانه‌ی ایران‌زمین علاوه بر دنبال کردن اهداف بزرگی چون: پراکندن تخم سخن فارسی، زنده کردن ایران و ایرانی با رواج فارسی سره، بازگرداندن هویت قوم ایرانی، زنده نگه‌داشتن آداب و رسوم و سنت‌ها و جشن‌های پسندیده، نگاه‌داری اشعار باقی مانده از دقیقی، نگاه‌داری بیش از پانصد هزار واژه‌ی کاربردی فارسی، دادن بهره‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و فلسفی، آفریدن دو داستان عاشقانه‌ی زال و رودابه، بیژن و منیژه که در رعایت موازین و دقایق این گونه داستان‌ها با بهترین انواع جهانی آن پهلوی می‌زند، خلق بزرگ‌ترین غم‌نامه‌های جهان چون رستم و اسفندیار، رستم و سهراب و داستان سیاوش، آفرینش جهان پهلوان رستم و نسبت دادن همه‌ی گفتارها و کردارها و پندارهای نیک به او، تلفیق حماسه، اسطوره، تاریخ و استوارکردن شالوده‌ی قومیت ما و بسیاری بهره‌های خرد و کلان دیگر، از آن‌جایی که حکیم است و معلم اخلاق در مجموع به ترسیم ارکان جامعه‌ی ایده‌آل می‌پردازد که ما در این مقاله به بعضی از ارکان آن بنای استوار اشاره می‌کنیم. تا نسل امروز بدانند که به‌قول استاد دکتر شفیعی کدکنی، فردوسی «نه دیروزی، نه امروزی که فردایی است». و نیز همه‌ی دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی بدانند که با تکیه بر چنین پیشینه‌ی فرهنگی، در جهان کنونی یا به‌اصطلاح در این دهکده‌ی جهانی قوم ایرانی می‌تواند، سربلند باشد که بخشی یا کوچه‌ی به‌نام او ثبت خواهد شد، البته اگر در این دهکده «دلیری، بخردی، توانایی و دانایی» رونق و رواج داشته باشد.

فردوسی این رسالت انسانی، ملی را با شایسته‌ترین ابزار و شکل و روش ممکن هزار سال پیش انجام داد. بر هنرمندان فرهیخته‌ی ما فرض است که با برداشت‌های نو، آن‌گونه که اروپاییان در مورد شاهکارهای ادبیات خود اعمال می‌کنند، در زنده نگه‌داشتن این حماسه‌ی بزرگ بکوشند.

ارزش هنری و ادبی بی‌مانند شاهنامه اغراق‌های به‌جا، توصیف‌های دل‌پذیر، امانت‌داری حیرت‌انگیز، رعایت اصول اخلاقی به گونه‌ی بی‌شائبه در بیش از پنجاه هزار بیت شاهنامه واژه‌ی ریچک به‌کار

تاکنون هیچ اثر دیگری که تا این حد حاوی مسائل مربوط به قومیت ایرانی و موثر در سازندگی ملیت این قوم و مایه‌ی افتخار و سربلندی او باشد، به ظهور نرسیده است.

اگر خدای ناکرده روزی از ایران جز سه چهار زن و مرد و توده‌ی خاک و یک جلد شاهنامه هیچ چیز دیگر باقی نماند، پس از قرنی به راهنمایی اشعار شاهنامه گرفتن الهام از روح پاک فردوسی و گذشته‌ی درخشان این مرز و بوم باز از آن چند تن ملتی برومند و پاکیزه‌سرشت و برتری به‌وجود می‌آید که حیات شرافتمندانه‌ی ملی را از سر می‌گیرد.

خدمت فردوسی به ایران، خدمتی پایدار و بی‌مانند است نظیر آن‌را هیچ یک از فرزندان این آب و خاک از عهده برنیامده‌اند. خواندن شاهنامه و بزرگداشت از «فردوسی» وظیفه‌ی هر فرد پاک‌نژاد و وطن‌دوست ایرانی‌ست و طنین اشعار این ایران‌پرست بزرگ، بهترین وسیله‌ی حفظ علائق ملی و وطنی به‌شمار می‌رود، چه خوش گفت مرحوم استاد ملک‌الشعرای بهار:

نی عجب گر خازن فردوس، فردوسی بود
کو بود بی‌شبهه رب‌النوع گفتار دری^۴

پی‌نوشت‌ها

- ۱- فردوسی و شاهنامه، دکتر منوچهر مرتضوی، دیپاچه، ص ۱۲.
- ۲- همان، ص ۱۰.
- ۳- فردوسی و شاهنامه، دکتر منوچهر مرتضوی، حماسه‌ی ملی ایران، ص ۲۰ و ۲۱.
- ۴- سخنرانی و بحث درباره‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، ادیب برومند، نسخه‌ی در سال ۱۳۴۹.

منابع و ماخذ

- ۱- فردوسی و شاهنامه، دکتر منوچهر مرتضوی، تهران، ۱۳۶۹، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲- حماسه‌سرایی در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۷۹، موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر تهران.
- ۳- نامه‌ی باستان، ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی، جلد اول، دکتر میرجلال‌الدین کزازی، تهران، ۱۳۷۹، انتشارات سمت.
- ۴- فردوسی و حماسه‌ی ملی، هانری ماسه، ترجمه‌ی دکتر مهدی روشن‌ضمیر، تبریز، ۱۳۷۵، انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۵- غم‌نامه‌ی رستم و سهراب، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، دکتر حسن انوری (ویرایش دوم)، تهران، ۱۳۷۵، نشر قطره.
- ۶- چهار سخن گوی وجدان ایران (فردوسی، مولوی، حافظ و سعدی)، تالیف دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، تهران، ۱۳۸۱، انتشارات قطره.
- ۷- جاذبه‌های فکر فردوسی، دکتر احمد رنجبر، تهران، ۱۳۶۹، موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- ۸- مردم و فردوسی، گردآوری و تالیف سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، تهران، ۱۳۵۵، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، سروش.
- ۹- شاهنامه، فردوسی و شکوه پهلوانی، مجموعه‌ی سخنرانی‌های سومین جشن طوسی، ۱۳۵۶، گردآورنده مهدی مدائنی، تهران، ۱۳۵۷، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، سروش.
- ۱۰- سخنرانی و بحث درباره‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، انتشارات فرهنگ و هنر، آبان‌ماه، ۱۳۵۰، سازمان انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۱- فردوسی و شاهنامه (مجموعه‌ی سی و شش گفتار) به‌کوشش علی‌دهباشی، تهران، ۱۳۷۰، موسسه‌ی انتشارات مدیر.

برده نشده، همه و همه حاکی از این است که به قول شرق شناس اروپایی «روبن- لوی» فردوسی «به آفریننده‌ی دادگر، ایمانی پایدار دارد...»^۱

در میان چکچک مدام سلاح‌ها، پراکندگی گرد و غبار میدان رزم، نواختن طبل و کوس و صدای فرود آمدن گرزهای سنگین بر کلاه‌خودهای آهنین، در فرصت‌های شکار و چوگان و تفریح و حتا بانگ نوشانوش، هنگام گریه و ندبه و زاری، در همه‌ی این احوال کشمکش میان خوبی و بدی و امید به پیروزی خوبی به خوبی احساس می‌شود.

«حوادث و شخصیت‌های توصیف شده‌ی پای‌بند محدودیت‌های زمینی نیستند، زیرا هم با زمین و هم با آسمان سر و کار دارند. فردوسی مانند شکسپیر خود را گرفتار واقعیت‌های جغرافیایی نمی‌کند و سرزمین‌هایی را که با یک‌دیگر فواصل بسیار دارند، در یک لحظه می‌پیماید و به جهت سهولت امر آن‌ها را به هم نزدیک می‌سازد. پادشاهان فرمان‌های خود را از فراز تخت سلطنت به جهانیان اعلام می‌دارند و خود را کارگزاران مستقیم اراده‌ی خداوند می‌دانند. شهریاران پیش از تاریخ و قهرمانانی مانند رستم صدها سال عمر می‌کنند و به جنگ می‌پردازند. در سراسر شاهنامه کشمکش با دشمنان ملی همراه با کشمکش میان خوبی و بدی‌ست، جایی که خوبی سرانجام پیروز خواهد شد.»^۲

آن‌ها که می‌کوشند برای اغراضی، با پررنگ جلوه‌دادن ابعاد و اهدافی از شخصیت و کتاب فردوسی جنبه‌های دیگر را نادیده انگارند و یا ضعیف بشمارند و جهان‌بینی الهی این حکیم سترگ نستوه و کوشش و وظیفه‌ی او را در ترسیم و توصیف و نشان‌دادن یک جامعه‌ی ایده‌آل بشری که در آن همه‌ی خوبی‌ها حاکم است، فراموش کنند، در حق او و مردم ایران و جهان ستم روا داشته‌اند. می‌توان شاخص‌ترین ارکان این مدینه‌ی فاضله‌ی که فردوسی مانند همه‌ی فرهیخته‌گان به دنبال آن بوده است و حجم عظیمی از ابیات شاهنامه را به آن‌ها اختصاص داده در خدانشناسی، خردگرایی، ولایت‌مداری، دعوت به تهذیب اخلاق، دعوت به داد و راستی و نکوهش بی‌دادی و کاستی کژی و... خلاصه کرد.

«از عمده مسائلی که سراسر نامه‌ی باستان را فراگرفته و در لابه‌لای بیت‌های آن اصل و اساس است، پرستش و نیایش خداوند است.»^۳ جالب است بدانیم در شاهنامه نزدیک به هزار بیت مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط با ستایش یزدان، لزوم پیروزی و پرستش او، اشاره به صفات نیکوی خداوند و... آمده و در سایه‌ی اعتماد راستین به خالق و مدبری کاردان که آغاز و انجام همه‌ی کارها با خواست و مشیت او صورت می‌گیرد است که بسیاری از باورها مانند لزوم بندگی پروردگار:

شما دست یکسر به یزدان زنید

بکوشید و پیمان او مشکنید

که بخشنده اوی ست و دارنده اوی

بلند آسمان را نگارنده اوی

و اعتقاد به موقتی بودن جهان و اندوه بیهوده نخوردن و این که زندگی مادی هدف نهایی نیست:

هر آن کس که دارید راه و خرد

بدانید کاین نیک و بد بگذرد

همه رفتنی‌یم و گیتی سپنج
چرا باید این درد و اندوه و رنج
زهر دست خوبی فراز آوردیم
به دشمن بمانیم و خود بگذریم
بترسید یکسر یزدان پاک
مباشید ایمن بدین تیره خاک
و میرآبودن پروردگار از هرگونه عیب و نقص:
شما دل به فرمان یزدان پاک

بدارید و زمام دارید پاک
جهان‌دار بر داوران داور است
ز اندیشه‌ی هر کسی برتر است
ز نام و نشان و گمان برتر است
نگارنده‌ی برشده پیکر است
و اعتقاد به اشرف مخلوقات بودن انسان:
که او دامان بردان دستگاه ستایش مرا و را که بنمود راه
و این که فراموش کردن پروردگار و اظهار وجود کردن در مقابل او
پایانی جز شکست ندارد:
منی چون بیبوست با کردگار
شکست اندر آورد و برگشت کار
و بسیاری از اعتقادات دیگر مانند این که خداوند جهان را از هیچ
آفرید، اعتقاد به قدیم بودن خداوند و حادث بودن جهان، روا و روان بودن
حکم او، محدودیت قدرت انسان، اعتقاد به قضا و قدر، توجه به دعا و
انابه و پوزش، امید به بخشندگی دادار و بسیاری از موضوعات دیگر
شکل می‌گیرد.

رکن دیگر این جامعه‌ی آرمانی فردوسی، گرایش به عقل، خرد و
دانش است، در جهان‌بینی او خرد حد‌اعلای آفرینش است و نامه‌ی
باستان این‌گونه آغاز می‌گردد:

با نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

خرد چشم جان است چون بنگری

تو بی چشم شادان جهان نسپری

زنده‌یاد استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب درباره‌ی این جنبه‌ی
شاهنامه، خردگرایی می‌نویسند: «این که حکیم توس حماسه‌ی عظیم
خود را به نام خداوند جان و خرد آغاز می‌کند، نکته‌ی بی‌ست که خواننده
را به اندیشه دعوت می‌کند و بی‌تامل از سر آن نمی‌توان گذشت...
برای آن که انسان در عرصه‌ی هستی تکاپو کند، هیچ چیز بیش‌تر از
جان برای وی در بایست نیست و برای آن که جان در محدوده‌ی حیات
حیوانی متوقف نماند، هیچ چیز بیش‌تر از خرد برای رهبریش ضرورت
ندارد. اگر جان تحت حکم خرد نباشد، جان انسانی نیست، جان
حیوانی‌ست و تکاپوی او در عرصه‌ی هستی نه حماسه می‌آیند و نه
تاریخ...»^۴

حکیم فرزانه‌ی توس در شاهنامه، بیش از ۳۰۰ بیت پیرامون خرد
آورده، با آن که از منظومه‌ی حماسی که مهم‌ترین ویژگی آن توصیف
و اغراق و خیال‌پردازی‌ست، انتظار این‌گونه نمی‌رود. اگرچه خردگرایی
از دیدگاه فردوسی با آنچه امروز در جهان از خردگرایی درک می‌شود
مقداری تفاوت دارد، در دیدگاه فردوسی نیز خرد ویژگی‌هایی دارد: خرد
بهتر از هرچه ایزد بداد، خرد آموزگاری‌ست که انسان را از گردش روزگار

شاهنامه

و هویت ایرانی

پروفسور اولریش مارزولف

□ افزون بر چین و مصر، ایران نیز دارای یکی از قدیمی‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهان است. اگرچه بیش از ۲۵۰۰ سال از فرمانروایی کوروش دوم، فرمانروای هخامنشی (۵۵۹-۵۲۹ پیش از میلاد) که امپراطوری ایران را بنیاد نهاد، می‌گذرد. ولی با این همه، ایران امروز، هنوز هم شایستگی‌های خود را به‌عنوان یک کشور و یک فرهنگ حفظ کرده است. مسلماً در طول تاریخ شگفت‌انگیز این کشور؛ دگرگونی‌های زبانی، یکپارچگی و فروپاشی‌های سرزمینی و گرایش‌های مذهبی بسیاری پدید آمده؛ و علی‌رغم صعود و افول سلسله‌های بسیار و رفت و آمد مهاجران و مهاجمان، فرهنگ ایرانی آگاهانه تلاوم و تفوق خود را همچنان حفظ کرده است.

از دیدگاه غرب، ممکن است تاکید بر تلاوم تاریخی و فرهنگی نوعی ادعای گزاف جلوه نماید و استدلال ایرانیان در این باره پذیرفته نشود. ولی واقعیت این است که زبان فارسی در طول هزار سال، حیات و هویت خود را همچنان حفظ کرده و توانسته به‌عنوان یکی از عناصر مقوم هویت ملی ایرانیان به تلاوم تاریخی، زبانی و جغرافیایی ایرانیان کمک کند.

از دیدگاه ایرانیان، حتی یونان که سرچشمه و گهواره‌ی تمدن غرب و در دوران باستان دشمن ایران بوده، پس از یک دوره‌ی کوتاه حاکمیت یونانی در ایران، جایگاه منطقه‌ی و مسلط خود را به‌وسیله‌ی امپراطوری ساسانی از دست داد و به سطح دولت‌های ناتوان تنزل کرد. به‌علاوه، اسکندر مقدونی، امپراطور مقدونیه که با فتح ایران وجدان فرهنگی و مذهبی ایرانیان را جریحه‌دار کرد، در دوران اسلامی به‌عنوان یک ایرانی شناخته شد و در زمره‌ی آخرین فرمانروایان هخامنشی قرار گرفت. این فاتح یونانی در نزد ایرانیان به برادر دو قلوبی پادشاه ایران (داریوش)، تبدیل می‌شود و تا مقام یک فرمانروای مشروع بالا می‌رود.

از این منظر، هم تقدم، قدمت و هم‌شکوه و عظمت تمدن ایرانی از اهمیت تاریخی و فرهنگی هم‌تاهای باستانی و جدید خود فرو می‌کاهد و نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی آکنده از توانایی‌هایی در اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های بلند انسانی‌ست. گذشته از این، فرهنگ ایرانی با داشتن یک عمق و پیشینه‌ی تاریخی قابل مقایسه با سایر فرهنگ‌ها، در بین آن‌ها می‌درخشد.

اینکه در ابتدای قرن بیست و یکم، ایران به‌عنوان یکی از ملت‌های بزرگ جهان با تکیه بر اندیشه‌های بلند فردوسی، مولوی، سعدی، نظامی، حافظ و خیام احساس غرور می‌کند. هم‌زمان با آن، مصر با آثار تاریخی و چین با تمدن کهنسال خود در ارائه‌ی پیامی تازه به جهانیان و ادعاهای بزرگ فرمانطقه‌ی در انزوای باشکوهشان درنگ می‌کنند. افزون بر این، در مقایسه با سایر فرهنگ‌های کهن دیگر، ایران دارای یک حماسه‌ی ملی

مضمون نگاه می‌دارد، تن خردمند این جهانی و جانش آن جهانی‌ست، این خلعت ایزدی که رهنما و دست‌گیر انسان در هر دو سراسر، باعث شادمانی می‌شود و انسان را از بلا می‌رهاند، مایه‌ی کامیابی و خوشبختی و زداینده‌ی همه‌ی صفات نکوهیده می‌باشد، سر بی‌خرد چون تن بی‌روان است.

دعوت به دادگری و دادگستری، ستایش راستی و شایستگی و نکوهش بی‌دادی و کاستی و کژی نیز در شاه‌نامه در راستای همان بزرگ‌ترین هدف فردوسی یعنی: آفرینش جامعه‌ی ایده‌آل صورت می‌گیرد. بنابر این فرمان شهریاری مطاع است که دادگر باشد:

جهان‌دار اگر دادگر باشدی
ز فرمان او کی گذر باشدی
که هر کس که در شاهی او داد داد
شود در دو گیتی ز گفتار شاد
همان شاه بیدادگر در جهان
نکوهیده باشد به نزد مهان
به گیتی بماند از و نام بد
همان پیش یزدان سرانجام بد
نگر تا که دل را نداری تباه
ز اندیشه و داد فریاد خواه
نگر تا نیازی به بی‌داد دست
نگردانی ایوان آباد پست
که نپسندد از ما بدی دادگر

سپنج است گیتی و بر ما گذر...
در شاهنامه‌ی فردوسی بیش از ۲۰۰ بیت در ستایش داد، دهش، دادگری و دادگستری آمده.

سخن پایانی

بوستان سعدی با داشتن حدود چهار هزار بیت کتاب اخلاقی محسوب می‌شود، **شاهنامه** نیز با داشتن بیش از هزار بیت درباره‌ی ستایش یزدان و موضوعاتی حول و حوش خداشناسی، حدود سیصد بیت درباره‌ی خردگرایی و حدود دویست بیت درباره‌ی دادگستری و ابیات فراوان درباره‌ی موضوعات مختلفی که فهرست‌وار به بعضی از آن‌ها اشاره کردیم، کتابی حماسی اخلاقی به حساب می‌آید. همه‌ی آنچه در این نوشتار آمد، بیان‌کننده‌ی این مطلب است که فردوسی علاوه بر اهداف خرد و کلانی که در پیرایش و سرایش **شاهنامه** دنبال می‌کرده، همانا در راستای بنای جامعه‌ی آرمانی‌ست که در آن انسان به کمال دست می‌یابد. ■

پی‌نوشت‌ها

۱- فصل‌نامه‌ی هستی، مقاله‌ی ویژگی شاهنامه، روبن لوی، ترجمه‌ی اسماعیل دولت‌شاهی، تابستان ۷۲، ص ۱۲۴. ۲- همان، ص ۱۲۳. ۳- **جاذبه‌های فکری فردوسی**، دکتر احمد رنجبر، امیرکبیر، چاپ اول، ۶۳، ص ۳۷. ۴- فصل‌نامه‌ی هستی، اسفند ۷۱، ص ۸۱.

منابع

۱- **آفرین فردوسی**، دکتر محمدجعفر محجوب. ۲- **فردوسی و شاهنامه**، استاد محیط طباطبایی. ۳- **زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه**، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن.